

حرف حساب



نسبت میان صوت قرآن و موسیقی ایرانی

■ غلامرضا شاه‌مویه‌افغانی، استاد صوت و قرائت قرآن کریم

بحث ریشه‌های موسیقی مقامی عرب و ارتباط آن با موسیقی ایرانی چیزی نیست که قابل انکار باشد. در حقیقت ما باید بپذیریم بسیاری از الحان و نغمات عربی موجود که به لحاظ اسم هم ایرانی و فارسی هستند، آشخور اصلی آنها ایران بود ولی در طول زمان تغییراتی پیدا کرده و با ذائقه عربی عجین شده و شکل جدیدی پیدا کرده‌اند که الان با شکل موجود قدیمی موسیقی ایرانی کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، مقام حجاز عرب که ما هم در گوشه‌های ابوعطا چیزی به نام حجاز داریم، کاملاً با حجاز در الحان ایرانی متفاوت است، ولی این اسم باقی مانده است. همچنین مقام ماهور که اسم فارسی است با آن چیزی که در موسیقی عرب وجود دارد، مشابهت‌هایی دارد، ولی از نظر محتوا کاملاً متفاوت است. تنها مقامی که بین نغمات فارسی و عربی مشترک است و هنوز اسم و محتوای آن یکسان باقی مانده است، همان سگاک (سه‌گاه) است که کاملاً فضای موسیقی ایرانی در آن کاملاً مشاهده می‌شود، ولی بیشتر این چیزی که در تلاوت قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد، کاملاً مستقل از موسیقی ایرانی است و امکان استفاده مستقیم از الحان و گوشه‌های ایرانی در تلاوت قرآن در حال حاضر وجود ندارد. مگر اینکه به شکلی اینها تغییر کند که با آن بخش تجوید و ضرورت‌های متن که در تجوید قرآن مطرح است، مطابقت یابد، یعنی به شکلی این الحان فارسی عزیزه شود.

فکر نمی‌کنم الان کسی باشد که بتواند قرآن را با تجوید کامل عربی باردیف‌های فارسی بخواند. به هر حال کشش‌هایی در موسیقی فارسی وجود دارد که با اصل تجوید در تضاد قرار می‌گیرد. این است که می‌گوییم استفاده مستقیم از الحان فارسی وجود ندارد، مگر اینکه تغییراتی روی اینها صورت گیرد.

قاب هنر



۲۳۳ سالن سینمای جدید در دولت سیزدهم

سینماسیرمغ شهرستان یوکان از توابع استان آذربایجان غربی با حضور محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی کشور و جمعی از مدیران و مسئولان استان افتتاح شد.

محمد خزاعی در مراسم افتتاح سینماسیرمغ شهر یوکان طی سخنانی با تأکید بر اهتمام جدی و جهادی سازمان سینمایی در راستای عدالت‌محوری و توسعه زیرساخت سینمایی در سطح کشور به ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار گفت: رونق صنعت سینماسازی در کنار سایر اصلاخ سینما و مباحث فرهنگی و گفتمانی از اهمیت مضاعفی برخوردار است و بنده و همکارانم با جدیت و جهادی این موضوع را دنبال می‌کنیم.

رئیس سازمان سینمایی کشور افزود: ۲۳۳ سالن سینما از ابتدای فعالیت دولت سیزدهم تاکنون در استان‌های مختلف کشور به بهره‌برداری رسیده و افتتاح سینمای یوکان دویست‌وسوم و چهارمین سالن سینماست.

خزاعی اظهار کرد: قبل از شروع فعالیت دولت سیزدهم ۷۰ سالن سینما در کشور وجود داشت و ما تصمیم گرفتیم در این دولت، ۳۳۰ سالن به ظرفیت سینماهای کشور اضافه کنیم.

وی اضافه کرد: هم‌اکنون بیش از ۵۰ شهر با جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر در کشور فاقد سینماست. سعی خواهیم کرد پس از احداث سالن‌های سینمایی، تجهیز آنها را به سرعت شروع کنیم.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار کرد: احداث سینما و توسعه در این زمینه، یکی از برنامه‌های جدی سازمان سینمایی و مأموریت مؤسسه سینماشهر است و به دلیل اهمیت این موضوع آن را از طریق شورای عالی سینما هم پیگیری کردیم و امروز یکی از مصوبات مهم این شورا پیگیری احداث سالن سینما در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر فاقد سینماست که مقرر شد از محل سفر رئیس‌جمهور و هیئت دولت به مناطق مختلف کشور تأمین شود.



گزارش

سوزان ساراندون در حمایت فلسطین از جان مایه می‌گذارد



■ جواد محرمی حمایت از فلسطین و نفرت از اسرائیل دست‌کم طی پنج سال گذشته در میان طیفی از هنرمندان سرشناس غرب در صحنه جهانی تبدیل شده است و در این میان گلاویز شدن با لابی‌های پنهان و پیدای اسرائیل در جهان که کسی درباره نفوذ آنها شک و شبهه‌ای ندارد، موضوعی نیست که قابل کتمان باشد اما برخی فعالان عرصه هنر سکوت به تن مالیده‌اند. سوزان ساراندون یکی از این چهره‌هاست.

سوزان ساراندون را اغلب با آثار مهمی چون «تلما و لوییز» و فیلم «راه رفتن مرد مرده» می‌شناسیم که برای دومی اسکار بهترین بازیگر زن را به خود اختصاص داد. او پنج بار نامزد جایزه اسکار شده است و در میان لیست بهترین زنان بازیگر جهان رتبه‌ای قابل توجه دارد. ساراندون البته برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز نامی آشنا محسوب می‌شود و سال‌هاست به عنوان یک چهره چپ (عدالت‌طلب) در فرهنگ امریکایی شهرت دارد. سخنان او در تظاهرات اخیر ضداسرائیلی قطعاً اولین بار نیست که موضع قوی وی را درباره مناقشه اسرائیل و فلسطین روشن می‌کند.

این ستاره مشهور امریکایی جمعه هفته گذشته در یک راهپیمایی حامی فلسطین که در پارک بریانت نیویورک برگزار شده بود، حاضر شد و با سخنانش بیانیه‌ای پرقدردان در حمایت از آتش‌بس در غزه ارائه کرد. وی قطعانه درباره وضعیت اسفبار مردم فلسطین صحبت کرد و به ویژه از کشتار غم‌انگیز حدود ۵هزار کودک در غزه به عنوان جنایات جنگی یاد و آن را محکوم کرد.

وی گفت: «من اینجا ایستادم و می‌گویم لازم نیست فلسطینی باشی تا در کنار مردم فلسطین بایستی. لازم نیست فلسطینی باشی تا بفهمی که کشتار تقریباً ۵هزار کودک غیرقابل قبول و جنایت جنگی است. لازم نیست فلسطینی باشی تا بفهمی جنایات جنگی هر روز طبق گفته سازمان ملل و دیگر گروه‌های بشر دوستانه انجام می‌شود. این زمانی برای آموزش است، زبیرا ماطون که سخنران قبلی اشاره کرد، بسیاری از مردم شرایطی را که در آن حمله هفتم اکثر رخ داد، درک نمی‌کنند. آنها تاریخچه آنچه برای مردم فلسطین در ۷۵ سال گذشته اتفاق افتاده است، نمی‌دانند، پس این فرصتی است برای آموزش مردم که بتوانند ذهنی باز داشته باشند.»

ساراندون که میلیون‌ها دنبال‌کننده در فضای

مجازی دارد طی یک ماه اخیر هر روز چندین استوری ضداسرائیلی منتشر کرده است. پست سخنرانی وی در نیویورک در اینستاگرام از سبوی لابی بانفوذ رژیم‌صهیونیستی تحت عنوان یهودی‌ستیزی منتشر شده، با این حال او دست‌از اعتراض علیه اسرائیل برنداشته است و می‌شود به طور قاطع دانست که تهدیدها و فشارهایی سازمان‌یافته علیه او انجام گرفته و پس از این نیز ادامه خواهد داشت، با این حال چهره‌هایی چون او آگاهانه و با اطلاع از تبعات واضح‌شان در غرب دست‌به‌این اعتراضات

من اینجا ایستادم و می‌گویم لازم نیست فلسطینی باشی تا در کنار مردم فلسطین بایستی. لازم نیست فلسطینی باشی تا بفهمی که کشتار تقریباً ۵هزار کودک غیر قابل قبول و جنایت جنگی است. لازم نیست فلسطینی باشی تا بفهمی جنایات جنگی هر روز طبق گفته سازمان ملل و دیگر گروه‌های بشر دوستانه انجام می‌شود



می‌زنند. سوزان در یکی از استوری‌های خود چهار فیلم را نیز معرفی کرد که همه باید ببینند تا شرایط مردم فلسطین را درک کنند.

این فیلم‌ها عبارتند از: «فجر» تولید ۲۰۲۲ که یک تریلر روان‌شناختی لبنانی محصول امارات است. «هدیه» دیگر فیلمی است که سوزان پیشنهاد کرده که تولیدی از شرکت فیلم‌های فلسطینی است که اولین بار دوم فوریه ۲۰۲۰ در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه کلرمون-فران به نمایش درآمد و ۱۸ مارس ۲۰۲۱ در نقلیکس در دسترس قرار

گرفت. این فیلم کوتاه ۲۴ دقیقه‌ای درباره پدر و دختری در مناطق محاصره شده فلسطینی از سوی اسرائیل در کرانه باختری اشغالی است. فیلم «۲۰۰ متر» نیز سپتامبر ۲۰۲۰ و نیز برای اولین بار اکران شد که یک درام ماجراجویی اردنی-فلسطینی است. «۳هزار شب» نیز متمرکز بر داستان یک زن فلسطینی است که در زندان، پسری به دنیا می‌آورد. لیال یک معلم جوان مدرسه‌است که با همسرش فرید در شهر اشغالی کرانه باختری نابلس در فلسطین زندگی می‌کند.

«حدود ۸ صبح» ناموفق در روایت یک بحران

نقدفیلم



■ افشین علیار «حدود ۸ صبح» موضوع ملتهب و البته جدیدی دارد که می‌تواند روایتی دقیق از طیفی از جامعه باشد که تن به فرهنگ غیر خودی داده‌اند اما درام فقط ۱۰ دقیقه می‌تواند توان روایی داشته باشد و پس از آن در یک چرخه تکراری دچار ضعف‌های اساسی می‌شود که باعث شده است فیلم نتواند به یک فرجام حدالقی برسد.

منوچهرهادی که روزی فیلم‌های درام اجتماعی با نگرش‌های گوناگون می‌ساخت و موفق هم بودند، حالا پس از چند فیلم سینمایی و چند سریال برای شبکه خانگی که در رده سنجیف‌ترین آمارش محسوب می‌شوند، سعی داشته با ساخت فیلم «حدود ۸ صبح» یک اثر اجتماعی دغدغه‌مند بسازد اما به نظر می‌رسد متن نوشته شده فارغ از چارچوب‌های خاص درام‌نویسی به نگارش درآمده است.

او موضوع ملتهب اجتماعی‌اش را می‌توانست گسترش دهد اما مشخص نیست چرا فارغ از بسترسازی مناسب جلوی این گسترش را گرفته و سوزه تلف شده است. از دقیقه ۱۰ بعد یعنی از زمانی که امیر کشته می‌شود فیلم دچار تکرار می‌شود و نمی‌تواند خودش را نجات دهد، بنابراین با اثری مواجهیم که دچار کمبود اساسی تمهیدات درام‌پردازی است.

پس از زندانی‌شدن امیر و عدم رضایت دریا و آزاد شدن محسن و دلیل کمکتش به رضا، قصه دچار یک گسست عمیق می‌شود تا جایی که انگار مخاطب می‌تواند پایان فیلم را حدس بزند؛ بحرانی که در ابتدای فیلم شکل می‌گیرد، یعنی ارتباط غیرعری یک مرد با یک زن می‌توانست بازیابی یک بحران باشد یا یک بستر آسب‌بناشانه یا معماگونه اما انگار



نمی‌شود دوستی محسن و رضا چگونه در زندان شکل می‌گیرد یا اینکه دریا با وجود اختلاف‌هایی که با پدر شوهرش دارد که بحث‌های آن دورا در یک سکانس می‌بینیم، چگونه این دو با یکدیگر به تفاهم می‌رسند و پدر شوهر حاضر به عدم رضایت می‌شود؟ اضافه کنید که حضور لیلا برای پافشاری‌اش نسبت به رابطه رضا و دریا با با زن دیگر در آثار او باشند.

فیلم دچار یک گسست روایی است و اینکه نوشین به عنوان همسر دوم رضا در فیلم وجود خارجی ندارد یک آسیب اساسی محسوب می‌شود، پذیرش همکاری محسن و دریا هم چندان نمی‌تواند منطق دراماتیک داشته باشد چرا که دزدیده شدن دختر بچه و آزاد شدن محسن در همان نقطه اول باعث حدس زدن مخاطب از همکاری محسن و بچه زده‌ها می‌شود که البته دریا هم چنین حدسی را می‌زند، ولی از آن به سادگی می‌گذرد، حضور بازپرس برای چیست؟ چرا او نمی‌تواند چنین انگیزه‌ای را بفهمد و زودتر وارد عمل شود؟ به یاد بیاورید نحوه گفت‌وگوی بازپرس و محسن در خانه دریا که به چه اندازه مبتدیانه شکل گرفته چرا که یک بازپرس آنقدر در حرفه خودش کارکنده است که می‌تواند با چند سؤال ساده و حتی از نوع ری‌اکشن‌های محسن به همدستی او با دزدها پی‌بردد اما کارگردان قصه ندارد چالش جدیدی را بسرای فیلمش ایجاد کند، به همین دلیل فیلم منفعل می‌ماند و قادر نیست از تمهیدات ساختار شکنانه استفاده کند. سکانس پایانی کلیشه‌است آن هم از نوع فیلم‌سازی؛ سکانس بی‌قاعده و البته بی‌منطق، به طوری که لیلا می‌توانست به گونه‌های دیگری از حادثه جلوگیری کند، اما کارگردان ترجیح می‌دهد پایانبندی فیلمش صرفاً یک فیلم‌سازی تمام‌عیار باشد و قطعاً فارغ از هر منطق روایی، در بازی‌ها یک بلاتکلیفی احساس‌اس می‌شود و به نظر می‌رسد هیچ‌یک از بازیگران به درک نقش‌شان نرسیده‌اند، تلاش کرده‌اند امساف‌های متن و ساختار جلوی پیشرفت بازی آنها را گرفته است. همچنان باید گفت سه اثر اول سینمایی منوچهر هادی به علاوه تله‌فیلم و سریال‌های تلویزیونی او می‌توانند بهترین آثار او باشند.

فراسو



راهکار استیون سودربرگ برای نجات سینمای مستقل

استیون سودربرگ از برجسته‌ترین کارگردان‌های مبتکری است که امروز در زمینه فیلمسازی کار می‌کند. او مانند جیمز کامرون با تمرکز بر فناوری و جلوه‌های ویژه پیشرفته کار نمی‌کند، اما کاری‌کنه وی انجام می‌دهد استفاده از تکنیک‌های داستان‌سرایی جدید و سرگرم‌کننده و همچنین خلق داستان‌هایی برای همه قالب‌های مختلف است. اکنون این کارگردان مثل بسیاری از هم‌تایان خود، نگران آینده سینما و صنعت فیلم است، اما او یک برنامه هم برای کمک به نجات‌بخشی از صنعت یعنی فیلمسازی مستقل دارد.

سودربرگ در مصاحبه اخیرش با ددلاین که با تمرکز بر فیلم «لوهیت» انجام شده و فیلمی علمی-تخیلی و مستقل است درباره آینده این صنعت صحبت کرد. وی به طور مشخص درباره اینکه چگونه فیلم‌های مستقل می‌توانند در دنیایی که تحت سلطه فیلم‌های پر فروش و استریم است، خود را نشان دهند، صحبت کرد. صحبت او نه درباره فیلم‌های مستقل مانند «فراری» مایکل مان یا آخرین فیلم ۲۰۲۴. که درباره سینمای مستقل واقعی است که استعداد‌های نوظهوری که به استودیوها یا تهیه‌کنندگان برجسته دسترسی ندارند، سراغش می‌روند و آن را خلق می‌کنند.

طرح سودربرگ ساده است. به گفته او بازیگران درجه یک باید از قدرت خود و توانایی دریافت بودجه برای فیلم‌ها استفاده و به ارتقای فیلمسازان مستقل واقعی کمک کنند.

آنهايي که بیرون از دایره صنعت هستند از گفتن داستان خود ناامید هستند، اما اگر یک بازیگر درجه یک از توانایی خود به خوبی استفاده کند، آنگاه شاهد خواهیم بود که استودیوهای بیشتری برای کارگردانان جوان پول خرج می‌کنند و همین موجب می‌شود تعداد زیادی از استعداد‌های جدید به صنعت سینما وارد شوند.

سودربرگ در توضیح گفت: هیچ چیز سریع‌تر از اینکه بازیگران درجه یک به حمایت از فیلمسازان مستقل جوان و آینده‌دار برخیزند، چشم‌انداز سینمای مستقل را تغییر نمی‌دهد.



محسن محسنی‌نسب تهیه‌کننده پیشکسوت مطرح کرد

فارابی حاضر نشد از فیلمی درباره شیرین ابوعاقله حمایت کند!

محسن محسنی‌نسب، تهیه‌کننده و کارگردان سینما انتقادهایی در خصوص وضعیت سرمایه‌گذاری در سینما و مدیریت بودجه‌های سینمایی مطرح کرده‌است.

در نهادهای دولتی مانند بنیاد سینمایی فارابی بودجه‌ها بر اساس سلیق شخصی تقسیم می‌شوند و نکته مهم این است که خروجی این بودجه‌ها هم با اقبال عمومی روبه‌رو نشده و فیلم‌هایی به تولید می‌رسند که عموم مردم تمایلی به تماشاى آنها ندارند!

دوران مدیریت جوادی بدترین دوران فارابی بود چرا که در این ایام کاملاً بدون توجه به نیازهای اصلی سینما و صرفاً بر اساس سلیقه شخصی بودجه‌ها را به برخی فیلمسازان دادند و باعث وضعیت فلاکت‌بار سینما شدند!

این فاجعه است که اغلب آثاری که در بخش دولتی و با بودجه عمومی ساخته می‌شوند در چرخه اقتصادی سینما قرار نمی‌گیرند و حتی بودجه تولیدشان هم در زمان اکران بازمی‌گردد، یعنی در واقع بودجه‌ای که برای تولید این فیلم‌ها هزینه می‌شود، هدر می‌رود و هیچ عایدی مثبتی در پی ندارد.

نمی‌دانم چرا هیچ نظارتی روی عملکرد این نهادها که فیلم‌های نفروش تولید می‌کنند، نیست و همچنان به آنها اجازه داده می‌شود هر طور که میل‌شان است، عمل کنند!

ماجرای حیرت‌انگیز این است که سال گذشته من فیلمنامه «دلیل اول» را که اثری در حوزه سینمای مقاومت و شهادت شیرین ابوعاقله بود به بنیاد سینمایی فارابی دادم و آنها این فیلمنامه مهم را رد و روی فیلمنامه‌هایی سرمایه‌گذاری کردند که نتیجه‌اش را در جشنواره فجر چهل‌ویکم دیدیم!

دیدگاه